

قوانین

شماره ۳۱۳۵۸

وزارت دادگستری

تاریخ ۲۲/۱۲/۲۶

لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری که بموجب قانون الغاء کلیه لوایح مصوب آقای دکتر مصدق ناشیه از اختیارات در تاریخ پنجم اسفندماه ۳۲ بتصویب کمیسیون های مشترک مجلسین رسیده و تا تصویب نهائی مجلسین موقتاً قابل اجرا میباشد ذیلاً ابلاغ میگردد:

ماده ۱- کانون وکلای دادگستری مؤسسه ایست مستقل و دارای شخصیت حقوقی که در مقر هر دادگاه استان تشکیل میشود.

در نقاطی که تا این تاریخ کانون وکلا وجود ندارد تشکیل کانون مشروط باین است که در آن حوزه حداقل ۶۰ نفر وکیل دادگستری بشغل وکالت اشتغال داشته باشند و تاوقتیکه عمده وکلا بعد نصاب مزبور نرسیده وکلای آن حوزه تابع مقررات و نظامات کانون وکلای مرکز خواهند بود.

الف - هیئت عمومی.

ب - هیئت مدیره.

ج - دادسرای انتظامی وکلاء.

د - دادگاه انتظامی وکلاء.

ماده ۲- کانون وکلا هر محل بوسیله هیئت مدیره اداره خواهد شد هیئت مدیره کانون وکلاء مرکز از ۱۲ نفر عضو اصلی و شش نفر عضو علی البدل تشکیل میشود و در سایر مراکز دادگاههای استان مرکب از ۵ نفر عضو اصلی و ۳ نفر عضو علی البدل خواهد بود. هیئت مدیره عهده دار اداره امور مربوط بکانون بوده و رئیس هیئت سمت ریاست کانون را دارد و نماینده قانونی کانون در کلیه مراجع رسمی است رئیس کانون کلیه اعمال اداری و حقوقی کانون را انجام خواهد داد.

تبصره - بقاء عضویت هیئت مدیره مشروط بر اینست که محل اقامت وکیل منتخب در تمام مدت عضویت در مرکز همان استان باشد.

ماده ۳ - هیئت عمومی کانون وکلاء هر استان از وکلایی که در آن حوزه اشتغال بوکالت دارند و حائز شرایط زیر باشند تشکیل میشود و هر دو سال یکبار برای انتخاب اعضاء هیئت مدیره تشکیل جلسه میدهد.

وکلایی که واجد شرایط زیر باشند میتوانند در انتخاب اعضاء هیئت مدیره کانون شرکت نمایند.

قوانین

- الف - وکلاء پایه یک و دو دادگستری مشروط بر اینکه :
- ۱ - محکومیت انتظامی از درجه ۴ بالا نداشته باشند.
 - ۲ - درحال تعلیق از وکالت نباشند.
- ماده ۴ - اعضای هیئت مدیره کانون وکلاء از بین وکلاء پایه یک هر حوزه که واجد شرایط زیر باشند برای مدت ۲ سال انتخاب میشوند :
- الف - لااقل ۳۰ سال داشته باشند.
- ب - لیسانس به حقوق بوده و لااقل ده سال سابقه وکالت یا قضاوت داشته باشند بشرط آنکه ۵ سال آن سابقه وکالت پایه یک باشد.
- ج - وکلایی که فاقد دانشنامه لیسانس میباشند در صورتی میتوانند انتخاب شوند که دارای ۲۰ سال سابقه وکالت و یا بیست سال سابقه وکالت و قضاوت باشند بشرط آنکه ۵ سال از مدت مزبور سابقه وکالت پایه یک داشته باشد.
- د - محکومیت انتظامی بالاتر از درجه ۴ نداشته باشند.
- ه - سوء شهرت نداشته باشند.
- تبصره - رئیس و اعضای هیئت مدیره کانون وکلاء، رؤسا و اعضای دادگاهها انتظامی وکلا و دادستان و دادیاران دادرسی انتظامی وکلاء نباید عضویت احزاب ممنوعه را داشته باشند و در صورت تخلف دادگاه عالی انتظامی قضات آنان را بحرובیت از عضویت هیئت مدیره و دادگاه و دادرسی انتظامی وکلاء محکوم خواهد کرد دادگاه عالی انتظامی قضات مکلف است بمحض اطلاع بموضوع رسیدگی کند رأی دادگاه قطعی است.
- ماده ۵ - هیئت مدیره کانون وکلای مرکز از بین اعضای خود یک نفر رئیس و دو نفر نایب رئیس و دو منشی و دو بازرس برای مخفی برای مدت یکسال انتخاب میشود و در سایر حوزه ها هیئت مدیره مرکب از یک رئیس و یک نایب رئیس و یک منشی و یک بازرس خواهد بود.
- ماده ۶ - وظائف کانون وکلاء بقرار زیر است :
- الف - دادن پروانه وکالت به داوطلبانی که واجد شرایط قانونی باشند.
- ب - اداره امور راجع بوکالت دادگستری و نظارت بر اعمال وکلای و کارگشایان
- ج - رسیدگی به تخلفات و تعقیب انتظامی وکلا و کارگشایان دادگستری بوسیله دادرسی و دادگاه انتظامی وکلاء.
- د - معاضدت قضائی
- ه - فراهم آوردن وسائل پیشرفت علمی و عملی وکلاء.
- ماده ۷ - از تاریخ اجراء این قانون فقط یکسانی پروانه وکالت داده میشود که از دانشکده های حقوق داخله یا خارجه دارای دانش نامه لیسانس باشند. اشخاص مزبور پس از اخذ پروانه وکالت مکلف هستند لااقل یکسال بکارآموزی اشتغال ورزند پس از اختبار و قبول آنان پروانه وکالت پایه یک داده میشود.

قوانین

ماده ۸ - باشخاص زیر پروانه وکالت درجه اول از طرف کانون وکلاء داده داده میشود.

الف - کسانیکه دارای دهسال متوالی پانزده سال متناوب سابقه خدمات قضائی بوده و لااقل پنج سال ریاست یا عضویت دادگاه داشته باشند و سلب صلاحیت قضائی از آنها از طرف دادگاه عالی انتظامی قضات نشده باشد.

ب - کسانیکه دارای دانشنامه لیسانس بوده و پنج سال سابقه خدمات قضائی داشته باشند و سلب صلاحیت قضائی از طرف دادگاه عالی انتظامی از آنها نشده باشد.

ج - نمایندگان هر یک از مجلسین که علاوه از عضویت کمیسیون دادگستری سابقه تدریس در دانشکده حقوق داشته و یا حداقل بیست سال در دوائر وزارت دادگستری و یا ثبت اسناد انجام وظیفه اداری نموده باشند بشرط آنکه از تاریخ تصویب این قانون ظرف مدت دو ماه درخواست صدور پروانه نمایند.

تبصره - کسانیکه دارای دانش نامه لیسانس بوده و دو سال سابقه خدمت قضائی داشته باشند از انجام دوره کارآموزی معاف میباشند ولی دراینمورد مدت انتظار خدمت از لحاظ اخذ پروانه وکالت جزء خدمت محسوب نمیشود.

ماده ۹ - کسانیکه تا این تاریخ دارای پروانه وکالت بوده و سلب صلاحیت از آنان نشده وکیل دادگستری شناخته میشوند.

ماده ۱۰ - باشخاص زیر اجازه وکالت داده نمیشود :

۱ - اتباع خارجه

۲ - قضات مستخدمین دولتی و بلدی و مملکتی و بنگاهائی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق بدولت است درحین اشتغال بخدست باستانهای استادان دانشکده حقوق که اشتغال بتدریس در یکی از شعب حقوقی دارند درصورت اجازه شورای دانشگاه.

۳ - محجورین و همچنین کسانیکه سن آنها کمتر از ۲۵ سال باشد.

۴ - محکومین بانفصال ابد از خدمات دولتی.

۵ - اشخاص مشهور بفساد اخلاق و تجاهر باستعمال مسکر و افیون و اعمال منافی عفت.

۶ - محکومین بجنایت مطلقاً و محکومین بجنحه هائی که منافی با امانت و عفت و شئون وکالت است به تشخیص هیئت مدیره کانون و یا آنکه بموجب قانون مستلزم محرومیت از بعضی حقوق اجتماعی است.

۷ - کسانیکه باتهام و ارتکاب جنایت یا جنحه های مذکور در ماده فوق تحت محاکمه هستند.

۸ - اشخاصیکه طبق حکم محکمه از وکالت محروم شده اند.

ماده ۱۱ - وکلائی که تقاضای ترفیع مینمایند باید علاوه بر شرایط مقرر قانونی گواهی حسن انجام وظیفه وکالتی بترتیبی که ذیلاً درج میگردد اخذ نمایند.

قوانین

در نقاطی که در محل اقامت وکیل دادگاه بخش یا شهرستان تشکیل گردیده گواهی مزبور باید بتصدیق رئیس دادگاههای مزبور و دادستان شهرستان یا قائم مقام آنان برسد و در صورتیکه اقامتگاه وکیل در مرکز استان باشد گواهی مزبور باید علاوه بر تصدیقات مذکور بگواهی رئیس کل دادگاههای استان و دادستان استان برسد.

تبصره - مقامات قضائی فوق در صورت احتیاج پس از استعلام از دوائر تابعه مبادرت بصدور گواهی مینمایند.

ماده ۱۲ - در صورتیکه وکیل دادگستری یا زوجه او با دادرسی یا دادستان یا دادیار یا بازپرس قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از طبقه دوم داشته باشد مستقیماً یا با واسطه از قبول وکالت در آن دادگاه یا نزد آن دادستان یا دادیار یا بازپرس ممنوع است.

ماده ۱۳ - دادرسی انتظامی و کلاه مرجع رسیدگی بتخلفات و کلاه و کارگشایان دادگستری و تعقیب آنان بوده و از دادستان و عده لازم دادیار که از طرف هیئت مدیره کانون برای مدت دوسال برای مخفی انتخاب میشوند تشکیل میگردد.

دادرسی انتظامی و کلاه پس از رسیدگی بتخلفات و شکایات در صورتیکه عقیده بر تخلف داشته باشد کیفرخواست صادر میکند و در غیر اینصورت قرار منع تعقیب خواهد داد قرار منع تعقیب از طرف شاکی و رئیس کانون ظرف مدت ده روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت طبق قانون آئین دادرسی مدنی قابل شکایت در دادگاه انتظامی و کلاه خواهد بود در صورتیکه دادگاه انتظامی و کلاه قرار منع تعقیب را صحیح ندانست بموضوع رسیدگی کرده و حکم مقتضی صادر مینماید.

ماده ۱۴ - رسیدگی بتخلفات و کلاه و کارگشایان دادگستری بعهدہ دادگاه انتظامی و کلاه مزبور از ۳ نفر وکیل درجه ۱ که بانتخاب هیئت مدیره کانون برای مدت دوسال تعیین میگردد تشکیل میشود و برای مدت مزبور هیئت مدیره دونفر عضو علی‌البدل از بین و کلاه پایه ۱ انتخاب مینماید که در مورد غیبت یا معذورت اعضا اصلی در دادگاه انتظامی شرکت نمایند مجازات های درجه ۱ و ۲ و ۳ نسبت بوکیل مورد تعقیب قطعی است ولی شاکی خصوصی که تعقیب بموجب شکایت او بعمل آمده از کلیه آراء صادره و همچنین دادرسی انتظامی و کلاه و رئیس کانون از حکم برائت و از مجازاتهای درجه ۴ به بالا میتوانند ظرف ده روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت طبق قانون آئین دادرسی مدنی تقاضای تجدید نظر نمایند. مرجع تجدید نظر دادگاه عالی انتظامی قضات بوده ورأی دادگاه مزبور قطعی است.

ماده ۱۵ - در صورتیکه رئیس دادگاه یا دادستان شهرستان و یا رئیس دادگاه استان یا دادستان تخلفی از وکیل مشاهده نمایند که قابل تعقیب باشد باید مراتب را کتباً بدادرسی انتظامی و کلاه اطلاع دهند در صورتیکه دادرسی مزبور موضوع را قابل تعقیب تشخیص دهد پرونده را با صدور کیفرخواست بدادگاه انتظامی و کلاه ارجاع میکند و در غیر اینصورت نظر خود را با ذکر دلیل بدادستان استان اطلاع میدهد و اگر دادستان

قوانین

مزبور بنظر دادرسی انتظامی وکلاء تسلیم نشد راساً از دادگاه انتظامی وکلاء رسیدگی بموضوع را تقاضا مینماید.

ماده ۱۶ - هرگاه وزیر دادگستری بجهتی از جهات وکیل را قابل تعقیب دانست میتواند از دادگاه انتظامی وکلاء یا ذکر دلایل امر تقاضای رسیدگی نماید و نیز در صورتیکه بحکم دادگاه مزبور تسلیم نباشد میتواند تقاضای تجدید نظر کند.

ماده ۱۷ - از تاریخ اجرای این قانون هیچ وکیل را نمیتوان از شغل وکالت معلق یا ممنوع نمود مگر بموجب حکم قطعی دادگاه انتظامی.

ماده ۱۸ - در صورتیکه وزیر دادگستری یا رئیس هیئت مدیره کانون وکلاء بجهتی از جهات اشتغال وکیل مورد تعقیب را به کار وکالت مقتضی نداند میتواند از دادگاه انتظامی وکلاء تعلیق موقت او را بخواهد و دادگاه موظف است در جلسه خارج از نوبت باین درخواست رسیدگی نموده و در صورتیکه رأی بر تعلیق صادر شود این رأی قابل اجرا خواهد بود و همچنین در صورت درخواست ۶ نفر از اعضای هیئت مدیره کانون رئیس کانون مکلف است از دادگاه تقاضای تعلیق وکیل مورد تعقیب را بنماید. از رأی مزبور وکیل معلق میتواند تقاضای تجدید نظر نماید و نیز از رأی عدم تعلیق وزیر دادگستری یا رئیس کانون وکلاء حق تقاضای تجدید نظر دارند دادگاه عالی انتظامی قضات بکلیه این درخواستها خارج از نوبت رسیدگی نموده و رأی دادگاه مزبور قطعی است.

ماده ۱۹ - میزان حق الوکاله در صورتیکه قبلاً بین طرفین توافق نشده باشد طبق تعرفه ای است که با پیشنهاد کانون و تصویب وزیر دادگستری تعیین خواهد شد و در قبال اشخاص ثالث این تعرفه معتبر خواهد بود مگر در صورتیکه قرارداد حق الوکاله کمتر از میزان تعرفه وکالتی باشد.

ماده ۲۰ - هرکس نسبت بوکیل دادگستری در حین انجام وظیفه وکالتی یا بسبب آن توهین نماید به حبس تأدیبی از پانزده روز الی سه ماه محکوم خواهد گردید.

ماده ۲۱ - در مواردیکه وزیر دادگستری در امور مربوطه بوظائف یکی از افراد هیئت مدیره کانون و یا دادرسان و دادستان دادگاه انتظامی وکلاء تخلفی مشاهده نماید رسیدگی بامر را بدادستان دیوانعالی کشور ارجاع مینماید. دادستان کل بوسیله ای که مقتضی بداند تحقیقات نموده در صورتیکه تخلف را محرز دانست پرونده را بمنظور رسیدگی بدادگاه عالی انتظامی قضات احاله خواهد نمود.

ماده ۲۲ - کانون وکلاء با رعایت مقررات این قانون آئین نامه های مربوط بامور کانون از قبیل انتخابات کانون و طرز رسیدگی به تخلفات و نوع تخلفات و مجازات آنها و ترفیعات و کارآموزی و پروانه وکالت را در مدت دو ماه از تاریخ تصویب این قانون تنظیم مینماید و پس از تصویب وزیر دادگستری بموقع اجرا گذاشته میشود.

ماده ۲۳ - برای تصفیه وکلای فعلی دادگستری دادرسی انتظامی وکلاء تهران موظف است از تاریخ تصویب این قانون در مدت شش ماه بسوابق کلیه وکلاء

قوانین

دادگستری مرکز و در مدت یکسال بسوابق وکلاء دادگستری خارج از مرکز رسیدگی کرده و کسانی را که تشخیص دهد صلاحیت تصدی شغل وکالت را ندارند پرونده آنها را بدادگاه انتظامی وکلاء برای رسیدگی بفرستد و دادگاه مزبور باید از تاریخ وصول هر پرونده بدادگاه حد اکثر در مدت دو ماه رسیدگی کرده در صورتیکه تشخیص دهد که وکیل صلاحیت ادامه اشتغال بوکالت را ندارد از او سلب صلاحیت نماید. از حکم دادگاه انتظامی وکلاء وزیر دادگستری و دادستان انتظامی وکلاء و وکیل محکوم میتوانیید تجدید نظر بخواهند. مرجع تجدید نظر دادگاه عالی انتظامی قضات است که رأی آن قطعی خواهد بود.

ماده ۲۴ - لایحه قانونی استقلال کانون وکلاء مصوب اسفند ماه ۱۳۳۱ و آن قسمت از قانون وکالت مصوب بهمن ماه ۱۳۱۵ و بند ۸ از ماده اول قانون بودجه سال ۱۳۲۶ مجلس شورای ملی و سایر قوانین و مقررات راجع بوکالت که با مواد این قانون مغایرت داشته باشد نسخ میشود.

ماده ۲۵ - وزارت دادگستری میتواند با تصویب شورای عالی قضائی وکلاء پایه یک دادگستری را برای خدمات قضائی انتخاب و تعیین نماید در اینصورت سنین وکالت درجه یک در حکم سابقه قضائی منظور و برطبق آن رتبه قضائی شخصی که انتخاب میشود معین خواهد شد.

ماده ۲۶ - وزارت دادگستری مأمور اجرای این قانون است.

چون بموجب تبصره قانون الغاء کلیه لوایح مصوب آقای دکتر مصدق ناشیه از اختیارات دولت مکلف است لوایحی که ادامه اجرای آنها را ضروری میدانند ظرف مدت پانزده روز بهر یک از مجلسین تقدیم نماید و لوایح نامبرده که با رعایت ماده چهار آئین نامه مشترک ظرف مدت سه ماه بتصویت کمیسیونهای مشترک برسد تا تصویب نهائی مجلسین قابل اجرا خواهد بود بنا بر این لایحه قانونی مربوط باستقلال کانون وکلای دادگستری که در تاریخ پنجم اسفند ماه یکهزار و سی و سه بتصویب کمیسیونهای مشترک مجلسین رسیده موقتاً قابل اجرا میباشد.

رئیس مجلس سنا - **ابراهیم حکیمی**
رئیس مجلس شورای ملی - **رضا حکمت**
اصل لایحه قانونی در دفتر نخست زیر است.

نخست وزیر - **سپهبد زاهدی**

۹۳۹۷/ح ۲۷۷۰۴

۱۳۳۴/۹/۴

ریاست کانون وکلاء دادگستری

نظر بماده ۲۲ لایحه استقلال کانون وکلاء دادگستری مصوب اسفند ماه ۱۳۳۳ کمیسیون مشترک مجلسین آئین نامه کانون وکلاء مشتمل بر هشتاد و نه ماده و دو تبصره تصویب میشود.

وزیر دادگستری - **دکتر علی امینی**

آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون و گلاو دادگستری بخش اول - انتخاب هیئت مدیره

ماده ۱ - هیئت مدیره دو ماه بانقضاء هر دوره از بین وکلایک که حق حضور در هیئت عمومی دارند چهار نفر بعنوان عضو اصلی و دو نفر بعنوان عضو علی البدل به رأی مخفی از خارج هیئت مدیره انتخاب مینماید که بریاست رئیس کانون هیئت نظارت انتخاب هیئت مدیره بعدرا تشکیل داده و بان انتخاب آن اقدام نمایند.

تبصره - هر یک از اعضاء اصلی حاضر نشوند یا معذور از مداخله شوند عضو علی البدل بجای او دخالت خواهد کرد.

ماده ۲ - صورت اساسی و مشخصات وکلایک که بموجب قانون حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارند در ظرف یک هفته از تاریخ انتخاب هیئت نظارت از طرف کانون بهیئت مزبور داده میشود.

ماده ۳ - وقت و محل تشکیل هیئت عمومی برای انتخاب هیئت مدیره باید از طرف هیئت نظارت تعیین و تا دهم بهمن ماه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار (بتشخیص هیئت نظارت) آگهی شود و فاصله بین انتشار آگهی و روز جلسه نباید کمتر از ۲۰ روز باشد.

یک نسخه از آگهی بوسیله پست سفارشی باید برای کسانی که حق حضور در هیئت عمومی دارند فرستاده شود.

ماده ۴ - اگر روز جلسه مصادف با تعطیل شد روز بعد تشکیل میشود و احتیاج بدعوت مجدد نخواهد بود.

ماده ۵ - در وقت مقرر جلسه هیئت عمومی با حضور هر عده که حاضر شده باشند تشکیل و بدو آ هیئت نظارت صندوق ضبط آراء را برای اطمینان از خالی بودن آن بحاضرین ارائه داده آنرا لاک و مهر مینماید و بعد شروع به گرفتن آراء میکنند و هیچگونه اظهار یا اقدام دیگری در جلسه هیئت عمومی جائز نیست و تبلیغ بموافقت یا مخالفت اشخاص بکلی ممنوع است.

ماده ۶ - انتخاب جمعی و مخفی است و باید رای روی اوراقی که بمهر هیئت نظارت رسیده نوشته شود و رأی دهنده پس از ارائه پروانه و کالت رأی خودرا در صندوق آراء بیندازد و در صورت اساسی واجدین شرایط انتخاب کردن مقابل اسم خودرا امضاء نماید

ماده ۷ - حق رأی کسانی که تا پایان جلسه حاضر نشده و رأی ندهند ساقط است.

ماده ۸ - پس از اتمام اخذ آراء اگر وقت کافی باشد شروع بقرائت آن میشود و الا هیئت نظارت صندوق را لاک و مهر کرده و روز بعد شروع باستخراج مینماید و بر هر ورقه که قرائت شد مهر قرائت شد زده و ضبط خواهد شد.

ماده ۹ - آرائی که دارای نشان یا امضاء باشد باطل است و اساسی مکرر حساب نمیشود و اساسی زائد بر عده که باید انتخاب شوند قرائت نخواهد شد.

قوانین

ماده ۱۰ - آراء قرائت شده پس از اتمام آن در صندوق ضبط و از طرف هیئت نظارت لاک و مهر شده و تا انقضاء مدت شکایت با حصول نتیجه شکایت محفوظ خواهد ماند تا در صورت احتیاج مورد رسیدگی واقع شود و بعد ابطال خواهد شد.

ماده ۱۱ - از واجدین شرایط انتخاب شدن کسانیکه دارای رأی بیشتر هستند عضو اصلی و کسانیکه بعد از اعضاء اصلی بیش از سایرین دارای رأی میباشند عضو علی البدل هستند.

ماده ۱۲ - مدت شکایت از جریان انتخابات تا سه روز بعد از اتمام قرائت آراء میباشد و شکایت از کسانیکه حق رأی دادن دارند پذیرفته است.

ماده ۱۳ - مرجع رسیدگی بشکایت هیئت نظارت انتخابات است و مکلف است ظرف سه روز بشکایات رسیدگی و نظر خود را در محل اخذ آراء اعلام نماید.

ماده ۱۴ - کسیکه بر تصمیم هیئت نظارت معترض است میتواند بوسیله دفتر کانون بدادگاه عالی انتظامی قضات شکایت نماید مدت این شکایت سه روز از تاریخ اعلام تصمیم هیئت نظارت است و دادگاه مزبور منتها در ظرف ده روز از تاریخ وصول شکایت رسیدگی و رأی خواهد داد و رأی مزبور قطعی است.

ماده ۱۵ - پس از اتمام انتخاب و تعیین نتیجه قطعی رئیس هیئت نظارت اسامی منتخبین را اعلام و آنان را برای تشکیل هیئت مدیره (قبل از تاریخ هفتم اسفند ماه که روز جشن کانون است) دعوت مینماید.

ماده ۱۶ - در صورت ابطال انتخاب تجدید آن بر طبق مقررات بالا خواهد بود در اینصورت تا تعیین هیئت مدیره جدید هیئت مدیره سابق انجام وظیفه خواهد نمود.

بخش دوم

انتخاب هیئت رئیسه و عامه کانون و وظائف آن

ماده ۱۷ - جلسه هیئت مدیره برای انتخاب رئیس بریاست مسن ترین اعضاء اصلی حاضر هیئت مدیره تشکیل میشود و دونفر جوان ترین اعضاء موقتاً سمت منشی گری خواهند داشت.

ماده ۱۸ - رئیس کانون و کلاء مرکز باید لااقل بیست سال سابقه و کالت درجه اول داشته و سن او کمتر از پنجاه سال نباشد و نواب رئیس باید لااقل ده سال سابقه و کالت درجه اول داشته و سن ایشان کمتر از چهل سال نباشد و در خارج مرکز بدون رعایت دو شرط فوق رئیس و نواب رئیس از بین اعضاء هیئت مدیره انتخاب میشوند.

ماده ۱۹ - انتخاب هیئت رئیسه کانون از بین اعضاء اصلی بطور فردی و مخفی و با اکثریت نسبی بعمل میآید مگر در موردیکه اکثریت مخصوص در این آئین نامه برای آن مقرر شده باشد و در آن مورد هم اگر در دفعه اول اکثریت مخصوص حاصل نشد در دفعه دوم اکثریت نسبی معتبر خواهد بود.

تبصره - رئیس کانون باید در تهران لااقل دارای هشت رأی و در سایر کانونها دارای چهار رأی باشد.

قوانین

ماده ۲۰ - رئیس کانون وکلاء نماینده قانونی کانون در کلیه مراجع رسمی است و اعمال اداری و حقوقی کانون را انجام میدهد و ریاست هیئت مدیره بعهدہ او است و مرجع رسیدگی به شکایات و اختلافات وکلاء و کارآموزان و کارگشایان از یکدیگر در امور مربوطه بشغلشان میباشد و همچنین ناظر اعمال و رفتار کلیه وکلاء و کارآموزان و کارگشایان بوده و میتواند خطب و خطا و انحرافات شغلی آنرا کتباً تذکر دهد و تعقیب انتظامی و کیل مختلف را از دادسرای انتظامی بخواهد اجراء تصمیمات هیئت مدیره کانون نیز بعهدہ او خواهد بود.

ماده ۲۱ - رئیس کانون نسبت بکلیه کارمندان اداری و دفتر کانون سمت ریاست مستقیم دارد.

ماده ۲۲ - رئیس کانون وکلاء مرکز از حیث شئون و تشریفات رسمی در ردیف دادستان کل کشور است و رؤسای سایر کانونها در ردیف دادستان استان هستند.

ماده ۲۳ - دعوت هیئت مدیره و هیئت عمومی وکلاء بعهدہ رئیس کانون است.

ماده ۲۴ - انتخاب رئیس و نواب رئیس و سایر اعضاء هیئت رئیسه هر چند نوبت جائز است.

ماده ۲۵ - اداره جلسات هیئت مدیره در غیبت رئیس با یکی از نواب رئیس میباشد.

تقسیم کار و وظائف بین اعضاء هیئت رئیسه ضمن آئین نامه داخلی کانون تعیین خواهد شد.

ماده ۲۶ - انتخاب بازرسان و منشیان هیئت مدیره پس از انتخاب رئیس و نواب بعمل خواهد آمد.

ماده ۲۷ - در صورتیکه یکی از اعضاء اصلی هیئت مدیره سه ماه متوالی بدون عذر موجه غیبت نماید یکی از اعضاء علی البدل که رأی او بیشتر است بعضویت اصلی قائم مقام او خواهد شد و عضو غائب قائم مقام عضو مزبور خواهد گردید.

بخش سوم

پروانه وکالت و کارآموزی

ماده ۲۸ - پروانه وکالت بعده لازم داده میشود و به نسبت هر ده نفر وکیل یک پروانه کارآموزی علاوه بر عده معین داده خواهد شد.

ماده ۲۹ - عده وکیل لازم برای هر محل یوسله کمیسیون متشکل از رؤساء کل دادگاههای استان مرکز و دادگاههای شهرستان تهران و دادگاههای بخش تهران و سه نماینده از طرف کانون بدعوت رئیس کانون تعیین خواهد شد.

ماده ۳۰ - در صورتیکه عده وکیل در محلی زائد بر عده معین از طرف کمیسیون باشد باستناد رأی کمیسیون نمیتوان مانع وکالت عده زائد شد در صورتیکه کمتر باشد تا عده معین پروانه داده میشود.

فوابین

- تبصره - صورت نفاطی که محتاج بوکیل است در دفتر کانون بدیوار نصب میشود که داوطلبان شغل وکالت با توجه بان تقاضانامه بدهند.
- ماده ۳۱ - در تقاضای پروانه وکالت و کارآموزی باید نکات ذیل تشریح شود:
- ۱ - نام شخصی و خانوادگی و نام پدر متقاضی.
 - ۲ - محل اقامت متقاضی بطوریکه مأمور کانون یا دادگستری با پست بتوانند بدون زحمت اوراق را در محل مزبور ابلاغ نمایند.
 - ۳ - اشتغالاتی که قبل از تاریخ تقاضا داشته و در حین تقاضا دارد.
 - ۴ - تصریح باینکه محکومیت جنحه و جنائی ندارد و در صورت داشتن چنین سابقه بجهت عنوان و بجهت مجازاتی محکوم شده است.
 - ۵ - تصریح بعدم اعتیاد بافیون و سایر مواد مخدره.
 - ۶ - ذکر مجور قانونی تقاضا.
 - ۷ - تعیین و معرفی محلی که میخواهد در آن اشتغال بوکالت داشته باشد.
 - ۸ - معرفی شخصی که متقاضی میخواهد نزد او کارآموزی نماید.
- ماده ۳۲ - تقاضا باید دارای ضامنه ذیل باشد.
- ۱ - رونوشت گواهی شده شناسنامه.
 - ۲ - چهار قطعه عکس.
 - ۳ - گواهینامه عدم سوء سابقه.
 - ۴ - در صورت داشتن سابقه شغل در وزارتخانه یا اداره دولتی و مملکتی و بلدی یا مراجع قضائی با بنگاهائی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق بدولت است گواهینامه حسن سابقه خدمت از مراجع مربوطه.
 - ۵ - گواهینامه عدم اعتیاد بافیون و سایر مواد مخدره.
 - ۶ - رونوشت مصدق مستند تقاضا از دانشنامه یا سابقه شغل قضائی و مقاماتی که دارا بوده و مدت آن.
 - ۷ - گواهینامه شورای عالی فرهنگ راجع بارزش دانشنامه که از دانشگاههای خارج صادر شده.
 - ۸ - گواهینامه اداره کل بازنشستگی راجع بعدم اشتغال به شغل دولتی و بازنشستگی.
- ماده ۳۳ - در صورتیکه تقاضای پروانه وکالت یا کارآموزی برای محلی باشد که بقدر احتیاج دارای وکیل است عدم قبول آن از طرف دفتر بمتقاضی اخطار میشود و در صورتیکه برای محلی باشد که محتاج بوکیل است و تقاضانامه یا ضامنه آن ناقص باشد بلااثر میماند تا از طرف متقاضی تکمیل شود در اینصورت تاریخ تکمیل تاریخ تقاضا محسوب است.
- ماده ۳۴ - تقاضانامه پروانه وکالت و کارآموزی در صورتیکه نقصی نداشته باشد و در صورتیکه دارای نقص باشد پس از رفع نقص از طرف دفتر کانون بنظر رئیس کانون میرسد و رئیس کانون بهر یک از تقاضاها را یکی از اعضاء کانون و یا کارمندان

قوانین

اداری کانون یا کارآموزان رجوع مینماید که در ظرف یک هفته رسیدگی کرده گزارش خود را بر رئیس کانون تسلیم نماید گزارش مزبور در هیئت مدیره طرح میشود و در صورت قبول تقاضای وکالت پروانه صادر خواهد شد.

و اگر دادن پروانه کارآموزی بمتقاضی تصویب شد بکمسیون کارآموزی رجوع میشود و در صورت رد تقاضای پروانه وکالت و یا کارآموزی متقاضی میتواند در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ تصمیم هیئت مدیره بدادگاه عالی انتظامی قضات شکایت نماید و دادگاه مزبور رسیدگی کرده در صورت عدم ورود شکایت تصمیم کانون را استوار و در صورت ورود شکایت حکم میدهد پروانه مورد نظر دادگاه بمتقاضی داده شود و حکم دادگاه عالی انتظامی قطعی و اجراء آن بمعهد ریاست کانون است و متخلف از آن مستوجب تعقیب انتظامی است.

ماده ۳۵ - کمسیون کارآموزی از پنج نفر وکلایک و واجد شرایط عضویت هیئت مدیره باشد از بین اعضاء هیئت مدیره یا از خارج اعضاء هیئت یا بطور مختلط از طرف هیئت مدیره تعیین میشود.

ماده ۳۶ - کارآموز موظف است در دوره کارآموزی تکالیف ذیل را تحت نظر کانون انجام دهد.

۱ - کارهای معاضدت قضائی که از طرف شعبه معاضدت قضائی یا ریاست کانون رجوع میشود.

۲ - حضور در سخنرانیها.

۳ - حضور در جلسات دادرسی مدنی و کیفری لااقل ماهی چهار مرتبه.

۴ - تهیه گزارش چند پرونده که باو رجوع میشود.

۵ - کارکردن در کارنوی اعم از دادسرا یا دادگاه یا شعبه معاضدت قضائی یا راهنمایی یا سایر کارهای اداری و دفتری.

۶ - کارکردن نزدیکی از وکلاء یا سابقه دادگستری.

ماده ۳۷ - هر کارآموز دارای کارنامه مخصوصی خواهد بود که از طرف کانون باو داده میشود در این کارنامه باید حضور در جلسات دادگاهها بگواهی روساء دادگاهها و کارهاییکه نزد وکیل سرپرست انجام داده است و حسن اخلاق در دوره کارآموزی بگواهی وکیل سرپرست و کارهای معاضدت قضائی بگواهی شعبه معاضدت قضائی یا ریاست کانون و تمرینات و سخنرانیها بگواهی رئیس شعبه سخنرانیهای کانون و کارهاییکه در کانون انجام میدهند بگواهی مدیر داخلی کانون برسد.

ماده ۳۸ - انجام تکلیف کارآموزی افتخاری و مجانی است ولی از کارهاییکه کارآموز خود قبول مینماید و تحت نظر وکیل سرپرست انجام میدهد میتواند حق الزحمه از صاحب کار دریافت نماید.

ماده ۳۹ - پس از حاضر شدن پروانه وکالت و قبل از تسلیم بمتقاضی مشارالیه

قوانین

باید در حضور ریاست کانون و لائفل دونفر از اعضاء هیئت مدیره بشرح ذیل قسم یاد کرده و صورت مجلس قسم و قسم نامه را امضاء نماید.

« در اینموقع که میخواهم بشغل شریف و کالت نائل شوم بخواوند قادر متعال قسم یاد میکنم که همیشه قوانین و نظامات را محترم شمرده و جز عدالت و احقاق حق منظوری نداشته و برخلاف شرافت قضاوت و وکالت اقدام و اظهاری ننمایم و نسبت باشخاص و مقامات قضائی و اداری و همکاران و اصحاب دعوی و سایر اشخاص رعایت احترام را نموده و از اعمال نظریات سیاسی و خصوصی و کینه توزی و انتقامجویی اجترار نموده و در امور شخصی و کارهایی که از طرف اشخاص انجام میدهم راستی و درستگی را رویه خود قرار داده و مدافع از حق باشم و شرافت من وثیقه این قسم است که یاد کرده و ذیل قسم نامه را امضاء مینمایم . »

تبصره - در صورتیکه وکیل در خارج از محل کانون باشد در حضور رئیس عالیترین دادگاه محل اقامت خود و دونفر از وکلاء آن محل بدعوت رئیس دادگاه باید قسم یاد نماید و اگر در محل وکیل نباشد در حضور رئیس دادگاه قسم یاد خواهد کرد.

ماده ۱۰ - کارآموزانیکه در محل سکونت آنان جلسات سخنرانی و کانون نیست پاکانون بوجود ایشان احتیاجی ندارد از سخنرانی و کار کردن در آن مراجع معافند.

ماده ۱۱ - پس از انجام تکالیف مقرر در دوره کارآموزی کارآموز میتواند از کانون درخواست اعلام طی دوره کارآموزی را بنماید و رئیس کانون رسیدگی بتقاضای مزبور را بشعبه کارآموزی ارجاع و شعبه مزبور مدارک کارآموزی را مورد مذاقه قرارداد و اختیارات کتبی و شفاهی از او بعمل آورده و گزارش آنرا بر رئیس کانون خواهد داد تا در هیئت مدیره طرح و تصمیم مقتضی نسبت بان اتخاذ شود.

ماده ۱۲ - در صورتیکه تقاضای اعلام طی دوره کارآموزی مورد موافقت هیئت مدیره واقع نشد باید تجدید شود و در هر دفعه بترتیبی که در نوبت اول مقرر است عمل خواهد شد.

ماده ۱۳ - کارآموزان و همچنین وکلاء دادگستری نمیتوانند بشغل دیگری که منافی با حیثیت و شئون وکالت است اشتغال ورزند.

ماده ۱۴ - چنانچه کارآموز تکالیف مقرر را انجام داده و از عهده اختیار برآید پروانه وکالت درجه یک باو داده خواهد شد.

ماده ۱۵ - کانون میتواند بر حسب ضرورت و احتیاج از داوطلبان کارگشائی طبق آئین نامه امتحان نموده و پروانه کارگشائی برای حوزه معینی بانان بدهد - ترتیب تقاضای کارگشائی همان است که برای پروانه وکالت مقرر گردیده بجز مدرک علمی که

اولین

که لازم نیست ولی باید در محل مورد تقاضا وکیل بقدر کافی وجود نداشته باشد و ترتیب دادن پروانه نیز مطابق ترتیب پروانه وکالت است.

ماده ۴۶ - مادام که کارآموز دوره کارآموزی را طی نکرده و پروانه وکالت مستقل بوی داده نشده نام او در فهرست اساسی وکلاء درج نخواهد شد.

بخش چهارم

ترقیعات

ماده ۴۷ - با احراز شرایط ذیل وکیل میتواند بدرجه بالاتر وکالت نائل گردد.

۱ - اشتغال بوکالت لااقل دو سال در درجه سوم و سه سال در درجه دوم.

۲ - حسن انجام وظیفه در دادگاههای مربوطه و حسن انجام معاضدتهائی که باو رجوع شده.

۳ - ترقی علمی و عملی که از طریق اختبار باید احراز شود.

۴ - رعایت نظامات مربوطه بامر وکالت طبق آئین نامه ها.

تبصره - مدت ترفیع نسبت یکسانیکه به تنزیل درجه محکوم شده اند از تاریخ حکم قطعی خواهد بود.

ماده ۴۸ - تقاضای ترفیع باید بعد از انقضای مواعد مقرر در ماده قبل بدفترکانون

داده شود و گواهینامه حسن انجام وظیفه در دادگاهها از رؤساء دادگاهها و حسن انجام کارهای معاضدت قضائی یا عدم رجوع آن از شعبه معاضدت قضائی و گواهی رعایت آئین نامه ها از دادسرای انتظامی وکلاء باید ضمیمه تقاضا باشد.

ماده ۴۹ - تقاضاهائیکه با رعایت شرایط مقرر در ماده ۴۷ و ۴۸ تا آخر ورودین

هرسال شده باشد از طرف دفتر بنظر رئیس کانون میرسد و برای رسیدگی بکمسیون ترفیع رجوع خواهد شد و تقاضاهائی که بدون رعایت شرایط مزبور باشد بلااثر میماند.

ماده ۵۰ - کمسیون در اردیبهشت ماه هر سال از متقاضیای ترفیع که دارای دانشنامه لیسانس یا بالاتر هستند اختبار عملی و از غیر ایشان اختبار عملی و علمی بعمل آورده و با توجه بسایر شرایط نظر خود را بقبول یا رد تقاضای ترفیع اظهار میدارد.

ماده ۵۱ - رد تقاضای ترفیع در ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر در هیئت مدیره است و تصمیم هیئت مزبور قطعی است.

ماده ۵۲ - کمسیون ترفیع بترتیب مقرر در ماده ۳۵ این آئین نامه تشکیل میشود.

بخش پنجم

دادسرا و دادگاه انتظامی

ماده ۵۳ - دادستان دادگاه انتظامی باید در مرکز لااقل دارای چهل سال سن

و پانزده سال سابقه وکالت و معاون اول او دارای سی و پنج سال سن و ده سال سابقه وکالت

فوائید

و سایر معاونین دارای سی سال سن و پنجسال سابقه وکالت باشند - و در خارج مرکز دادستان لاقبل باید دارای سی و پنجسال سن و پنجاه سال سابقه وکالت و معاونین دارای سی سال سن و سه سال سابقه وکالت بوده و هیچیک محکومت انتظامی از درجه سه به بالا و سوء شهرت نداشته باشند و از بین معاونین خارج مرکز کسیکه سابقه وکالتش بیشتر است سمت معاونت اول خواهد داشت.

ماده ۵۴ - دادرسان دادگاه انتظامی باید دارای شرایط عضویت هیئت مدیره بوده و محکومیت انتظامی از درجه ۳ به بالا نداشته باشند.

ماده ۵۵ - دادگاه انتظامی در مرکز ممکن است دارای شعب متعدد باشد در این صورت پرونده ها برای رسیدگی از طرف رئیس کانون بهر یک از دادگاهها رجوع میشود.

ماده ۵۶ - انتخاب دادستان و معاونین دادرسان از طرف هیئت مدیره برای مخفی و باکثرت دوثلت اعضاء حاضر در جلسه بعمل میآید.

ماده ۵۷ - از بین دادرسان اصلی کسیکه سابقه وکالت او زیادتر است سمت ریاست دادگاه را دارد و اگر سابقه وکالت معلوم نباشد مسن ترین دادرس اصلی سمت ریاست خواهد داشت و در صورت تساوی سن یا سابقه دادرسان به رأی مخفی باقرعه از بین خود رئیس دادگاه را تعیین مینماید.

ماده ۵۸ - موارد رد و امتناع دادستان و معاونین ایشان و دادرسان همان است که طبق آئین دادرسی مدنی برای دادرسان دادگاههای عمومی مقرر است بعلاوه در موردیکه وکیل شاککی یا مشتکی عنه یا شریک یا وکیل یکی از طرفین بوده ولو شرکت بطور کلی باشد باید از رسیدگی امتناع نمایند.

ماده ۵۹ - در صورتیکه متصدی تحقیقات ممنوع از رسیدگی باشد رسیدگی بمعاون دیگر رجوع میشود و اگر دادستان ممنوع از رسیدگی باشد معاون اول مستقلاً در آن مورد وظیفه دادستانرا انجام میدهد و اگر معاون اول هم ممنوع باشد یکی از نواب رئیس وظیفه دادستانرا انجام خواهد داد.

ماده ۶۰ - در مورد غیبت یا ممنوع بودن دادرس اصلی دادرس علی البدل در رسیدگی دخالت مینماید و اگر عده کافی برای رسیدگی نباشد از دادرسان شعبه دیگر تکمیل میشود و اگر شعبه دیگر نباشد هیئت مدیره بجای اشخاص غائب و ممنوع از بین اشخاص واجد شرایط اشخاص دیگر برا بعنوان عضویت علی البدل تعیین مینماید که در رسیدگی دخالت نمایند.

ماده ۶۱ - شکایت از تخلفات و اخلاق و رفتار و کلاء ممکن است کتبی باشد یا شفاهی - شکایت کتبی هر دفتر کانون ثبت و رسید داده میشود و نزد دادستان فرستاده خواهد شد و شکایت شفاهی در صورت مجلس درج و به امضاء شاککی میرسد.

دادستان شخصاً یا بوسیله یکی از معاونین نسبت بشکایات رسیدگی و اظهار عقیده مینماید.

قوانین

ماده ۶۲ - از هر طریق اطلاعاتی راجع به تخلف یا سوء اخلاق و رفتار و کیل برئیس کانون برسد و آنرا قابل توجه تشخیص دهد بدادسرا رجوع مینماید و دادسرا باید بموضوع رسیدگی کرده اظهار عقیده نماید.

ماده ۶۳ - در صورتیکه دادستان حضور مشتکی عنه را برای اداء توضیحات و کشف حقیقت لازم بداند و او را احضار نماید وبدون عذر موجه حاضر نشود ممکن است عدم حضور قرینه صدق نسبتی که باو داده شده تلقی شود.

تبصره - عذر موجه همان است که در قانون وکالت و آئین دادرسی مقرر است و باید کتباً بضمیمه دلیل آن درموقع برای رسیدگی بمتصدی تحقیقات داده شود

ماده ۶۴ - دادستان پس از رسیدگی در صورتیکه عقیده بر تعقیب داشته باشد ادعای نامه صادر و بدادگاه می فرستد و در صورتیکه عقیده بر منع تعقیب داشته باشد قرار منع تعقیب صادر خواهد کرد .

در صورتیکه بین دادستان و معاون او که متصدی تحقیقات بوده در تعقیب و تطبیق موضوع با ماده آئین نامه اختلاف حاصل شود نظر دادستان متبع است.

ماده ۶۵ - قرار منع تعقیب از طرف شاکی و رئیس کانون در ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر در دادگاه انتظامی وکلاست و در صورتیکه دادگاه قرار منع تعقیب را صحیح دانست آنرا استوار مینماید و در صورتیکه موضوع را قابل تعقیب تشخیص داد رسیدگی کرده حکم میدهد .

ماده ۶۶ - پس از رسیدن ادعای نامه یا تقاضای رسیدگی از طرف اشخاصیکه حق تقاضا دارند و آماده بودن موضوع برای رسیدگی رونوشت ادعای نامه یا تقاضا بوسیله مأمور کانون یا پست سفارشی دوقبضه بشخص مورد تعقیب ابلاغ میشود که در مرکز و اطراف آن تا شعاع شصت کیلومتر در ظرف ده روز پس از ابلاغ و در خارج مرکز که فاصله آن بیش از شصت کیلومتر تا مرکز باشد در ظرف یکماه هر گونه جوابی دارد بدهد .

ماده ۶۷ - پس از رسیدن جواب یا انقضای مهلت وقت رسیدگی با اطلاع دادستان میرسد و در وقت مزبور دادگاه رسیدگی کرده حکم میدهد و اگر توضیحی دادستان لازم بداند یا دادگاه توضیحی از دادستان بخواهد در جلسه رسیدگی استماع میشود و اگر توضیح از شخص مورد تعقیب لازم باشد صریحاً در صورت مجلس ذکر و ضمن اخطار وقت رسیدگی باو اخطار میشود که در موقع معین حاضر شده شفاهاً توضیح دهد یا توضیحات خود را کتباً بدادگاه بفرستد چنانچه پاسخ مشتکی عنه در موقع نرسید و شخصاً هم حاضر نشده باشد دادگاه رسیدگی کرده حکم میدهد و حکم مزبور حضوری محسوب است.

ماده ۶۸ - دادگاه باید نسبت بموضوعاتی که بان رجوع میشود رسیدگی کرده رأی بدهد و در صورت ثبوت تخلف میتواند مجازات شدیدتر از مورد تقاضا تعیین نماید و در مورد تقاضای تعلیق باید خارج از نوبت رسیدگی کرده رأی بدهد و در موردیکه موضوع متضمن جنبه کیفری باشد که تفکیک آن از جنبه انتظامی ممکن نباشد باید رسیدگی را موقوف بفراغ از جنبه کیفری نماید .

قوانین

ماده ۶۹ - مرجع شکایت انتظامی از دادرسان دادگاه انتظامی و دادستان و معاونین ایشان و رؤساء و اعضاء شعب و کمیسیونها راجع بانجام وظائف شان هیئت مدیره است و در صورت احرار تخلف پرونده نزد دادستان کل فرستاده میشود که بترتیب مقرر در ماده ۲۱ لایحه استقلال کانون عمل شود.

ماده ۷۰ - وکلاء مکلفند محل سکونت خود را بطور صریح و روشن بکانون اطلاع دهند که مأمور کانون یا دادگستری یا هست بتواند هر گونه اوراقی را در آن محل بایشان ابلاغ نماید و در صورت تغییر محل باید محل جدید را در ظرف ده روز بحدی که ذکر شد کتباً بکانون اطلاع دهند - و اوراقی که بمحل مزبور فرستاده میشود ابلاغ شده محسوب است.

ماده ۷۱ - کلیه اوراقی که از کانون و دادسرا و دادگاه بوسیله پست سفارشی برای اشخاص فرستاده میشود و در مرکز تا شعاع شصت کیلو متر پنج روز پس از تسلیم بدقتر پست و در خارج بدقتر پست ابلاغ شده محسوب است - مگر کسیکه اوراق برای او فرستاده شده ثابت نماید که بعد از مهلت مقرر رسیده که در اینصورت تاریخ رسیدن باو تاریخ ابلاغ محسوب است یا ثابت نماید اصلاً نرسیده که در این صورت ابلاغ تجدید میشود.

و اوراقی که بوسیله مأمور فرستاده میشود تاریخ رساندن آن بروت طرف تاریخ ابلاغ محسوب است و در موردی که از گرفتن اوراق از مأمور کانون یا دادگستری یا پست و رؤیت آنها امتناع شود ابلاغ شده محسوب خواهد شد.

ماده ۷۲ - مراجع رسمی مکلفند باسراع اوقات اطلاعاتی را که دادگاه یا دادسرا یا هیئت مدیره و شعب کانون میخواهند بدهند مگر در موردی که دادن اطلاع قانوناً ممنوع باشد و دادستانها یا نمایندگان ایشان مکلفند تحقیقاتی را که کانون از شاکعی یا مشتکی عنه یا مطلعین تقاضا مینماید انجام داده بفرستند و تخلف از آن مستوجب تعقیب انتظامی است.

ماده ۷۳ - چنانچه نسبتی که بشخص مورد تعقیب داده شده متضمن جنبه کیفری باشد که تفکیک آن از جنبه انتظامی ممکن نیست رسیدگی انتظامی موقوف بفرای از جنبه کیفری در مراجع عمومی خواهد شد.

ماده ۷۴ - در مورد ماده ۱۵ لایحه استقلال کانون و همچنین در مورد تقاضا از طرف رئیس کانون یا هیئت مدیره در صورتی که دادستان مخالف با تعقیب باشد صدور ادعا نامه لازم نیست و رسیدگی بدادگاه انتظامی رجوع میشود.

ماده ۷۵ - نسبت باحکام دادگاه انتظامی وکلاء و رؤیس کانون و دادستان و سایر اشخاص و مقامات مذکور در ماده ۱۵ و ۱۶ لایحه استقلال کانون و نسبت باحکام مجازات از درجه ۴ به بالا محکوم علیه در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ با رعایت مسافت طبق آئین دادرسی مدنی میتوانند از دادگاه عالی انتظامی قضات درخواست تجدید نظر نمایند و دادگاه مزبور رسیدگی کرده در صورت عدم ورود اعتراض حکم را استوار و الاحکمی را که بنظر خود مقتضی میدانند صادر مینمایند.

بخش ششم

تخلفات و مجازات آنها

ماده ۷۶ - مجازاتهای انتظامی عبارتست از:

- ۱ - اخطار کتبی.
- ۲ - توبیخ با درج در پرونده.
- ۳ - توبیخ با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون.
- ۴ - تنزل درجه.
- ۵ - محرومیت از سه ماه تا سه سال.
- ۶ - محرومیت دائم از شغل و کالت.

تبصره - در مورد بیکه برای قبول و کالت یا انتقال یا گرفتن سند مجازات انتظامی تعیین شده و کالت و انتقال مال و سندیکه از اشخاص گرفته شده در دادگاهها و سایر مراجع رسمی قابل ترتیب اثر نخواهد بود.

ماده ۷۷ - مجازات تخلف از نظاماتی را که کانون برای وکلاء دادگستری تعیین مینماید درجه ۱ و ۲ است که از طرف رئیس کانون مستقلاً یا پیشنهاد دادستان انتظامی تعیین و اجرا میشود و اختصار رئیس کانون مانع صلاحیت دادگاه برای تعیین مجازات درجه ۱ و ۲ نخواهد بود.

ماده ۷۸ - متخلف از هر یک از موارد ذیل بمجازات انتظامی درجه ۳ محکوم خواهد شد.

۱ - چنانکه بدو یا چند محکمه دعوت شود و جمع بین اوقات مزبور ممکن نباشد باید حضور در دیوان کبفر و دیوان جنایی را مقدم بدارد و در سایر محاکم در محکمه که وقت آن زودتر ابلاغ شده حاضر گردد.

۲ - کارهای معاضدت قضایی را که از طرف کانون و دفاع از متهمین را که از طرف دادگاهها در حدود قانون و نظامات با ایشان ارجاع میشود بخوبی و با علاقه مندی انجام دهد.

۳ - کلیه اوراق فرستاده از کانون را اعم از نامه یا اخطار یا رونوشت ادعائیه یا حکم که بوسیله مأمور یا پست فرستاده میشود بمحض ارائه قبول و رؤیت کرده رسید بدهد.

ماده ۷۹ - متخلف از هر یک از مقررات ذیل بمجازات انتظامی درجه ۳ یا ۴ محکوم خواهد شد.

۱ - از تجاهر باستعمال مسکر و الیون و سایر مواد مخدره و سراوده در اماکن فساد اجتناب نماید.

۲ - در مقابل وجه یا مال دیگری که از موکل دریافت مینماید رسید بدهد.

۳ - در صورتیکه بعد از انقضای مدت تمبر پروانه بدون تجدید تمبر و ثبت پروانه و کالت نماید.

قوالب

۴ - در صورتیکه بدون عذرموجه در دادگاه حاضر نشود و بواسطه عدم حضور اوکار دادگاه بتأخیر افتد.

ماده ۸۰ - در موارد ذیل متخلف بمجازات انتظامی درجه ۴ محکوم میشود.
۱ - در صورتیکه بکار دیگری اشتغال پیدا کند که منافی با شئون وکالت است و با تذکر این نکته از طرف کانون بشغل مزبور ادامه دهد یا مرتکب اعمال ورقناری شود که منافی شئون وکالت است.

۲ - در صورتیکه بوسیله اوراق چاپی یا تابلو یا وسائل دیگر درجه خود را بالاتر از پروانه که دارد معرفی نماید.

۳ - در صورتیکه بوسیله قربنده تحصیل وکالت نماید.

۴ - در صورتیکه زائد برحق الوکاله که بتراضی با موکل قرارداد و درموردیکه قرارداد در بین نباشد زائد بر تعرفه وزارتنی یا زائد بر هزینه های قانونی وجه یا مال دیگر یا سندی بنام خود یا دیگری بگیرد.

۵ - در صورتیکه استعفاء خود را از وکالت بموکل و دادگاه اطلاع ندهد یا وقتی اطلاع دهد که موکل مجال کافی برای تعیین وکیل دیگر و معرفی بدادگاه نداشته باشد.

۶ - در صورتیکه پس از ابلاغ حکم یا قرار یا اخطاریکه مستلزم دادن خرج یا اقدامی از طرف موکل است باسرع اوقات بموکل یا متصدی امور او اطلاع ندهد و موجب تضییع حقی از موکل شود.

۷ - در صورتیکه نسبت بموضوعی که قبلاً بمناسبت سمت قضائی یادآوری اظهار عقیده کتبی کرده قبول وکالت نماید.

۸ - در صورتیکه در یکی از وزارتخانه ها یا ادارات دولتی یا مملکتی یا شهرداری یا ینگاهائی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق بدولت است سمت وکالت یا مشاوره حقوقی داشته و علیه آنها قبول وکالت نماید.

۹ - در صورتیکه برای تطویل دادرسی بوسیله خدعه آمیز از قبیل رد دادرسی یا داور یا استعفاء از وکالت و قبول مجدد وکالت متوسل شود.

۱۰ - در صورتیکه در مذاکرات کتبی و شفاهی نسبت بدادنامه یا سایر مقامات رسمی و وکلاء و اصحاب دعوی و سایر اشخاص برخلاف احترام اظهاری بنماید.

ماده ۸۱ - متخلف در موارد ذیل بمجازات انتظامی درجه ۵ محکوم خواهد شد.
۱ - در صورتیکه دعوی را بطور مصانعه یا در ظاهر بنام دیگری و در باطن برای خود انتقال بگیرد.

۲ - در صورتیکه بواسطه وکالت از اسرار موکل مطلع شده و آنرا افشاء نماید اعم از اینکه اسرار مزبور مربوط باسر وکالت یا شرافت و حیثیت و اعتبار موکل باشد.
۳ - در صورت تخلف از قسم.

ماده ۸۲ - متخلف از مقررات ذیل بمجازات انتظامی درجه ۶ محکوم خواهد شد.

فوائین

- ۱ - کسیکه برخلاف قانون خود را واجد شرایط وکالت معرفی کرده و پروانه گرفته باید در ظرف یکماه از تاریخ اجراء این آئین نامه کتباً بکانون اطلاع داده و پروانه خود را تسلیم نماید و در صورتیکه در حین دریافت پروانه واجد شرایط بوده و بعد فاقد یکی از شرایط گردد باید در ظرف ده روز از تاریخ فاقد شدن شرط کانون را کتباً مطلع نموده و پروانه خود را تسلیم نماید.
- ۲ - در صورتیکه بعد از استعفا یا عزل از طرف موکل یا انقضای وکالت بجهت دیگر وکالت طرف موکل یا اشخاص ثالث را در آن موضوع علیه موکل سابق خود یا قائم مقام قانونی او قبول نماید .
- ۳ - در صورتیکه ثابت شود وکیل با طرف موکل خود ساخته که حق موکل را تضییع نماید یا خیانت دیگری نسبت به موکل کرده باشد .
- ۴ - در صورتیکه خلاف عذریکه برای حضور بدادگاه یا سایر مراجع یا دادسرا یا دادگاه انتظامی وکلاء اعلام کرده ثابت شود .
- ماده ۸۳ - هیچ تخلفی را نمیتوان عفو کرد و اگر موجبی برای تخفیف باشد دادگاه در موردیکه مجازات دارای حداقل و اکثر است میتواند مجازات حداقل را تعیین نماید و در سایر موارد بکدرجه تخفیف بدهد .
- ماده ۸۴ - هرکس محکوم بمجازات انتظامی شده و در مدت سه سال از تاریخ قطعی شدن حکم مرتکب تخلفی نظیر تخلف مورد حکم شود بیک یا دو درجه بالاتر مجازات مورد حکم محکوم خواهد شد .
- ماده ۸۵ - استرداد شکایت یا استعفاء مشتکی عنه مانع تعقیب و رسیدگی انتظامی نیست لیکن استرداد شکایت موجب تخفیف مجازات است .
- ماده ۸۶ - مدت مرور زمان تعقیب انتظامی دو سال از تاریخ وقوع امر مستوجب تعقیب است و در موردیکه تعقیب بعمل آمد دو سال از تاریخ آخرین اقدام انتظامی است .
- ماده ۸۷ - در صورتیکه نسبت بوقیلی با تهاجم ارتکاب جنحه یا جنایت کیفر خواست صادر شود دادستان باید رونوشت آنرا بکانون بفرستد و از طرف کانون بدادگاه انتظامی وکلاء رجوع میشود و در صورتیکه دادگاه دلایل را قوی و ادامه وکالت وکیل را منافی با شئون وکالت تشخیص دهد حکم تعلیق موقت او را صادر مینماید و حکم مزبور موقتاً قابل اجرا است و مفاد آن بدادگاهها ابلاغ میشود و در مورد محکومیت قطعی وکیل بارتکاب جنایت مطلقاً در مورد جنحه هائیکه به تشخیص دادگاه انتظامی وکلاء ادامه وکالت وکیل منافی شئون وکالت است محرومیت وکیل از شغل وکالت در روزنامه رسمی و مجله کانون آگهی و بدادگاهها ابلاغ میشود .
- ماده ۸۸ - کارآموزان مشمول مقررات انتظامی در این آئین نامه خواهند بود .
- ماده ۸۹ - تعقیب انتظامی مانع تعقیب مدنی یا کیفری نیست .

ما نظر خود را درباره تغییرات این آئین نامه با سابقه آن همچنین تفاهت های موجوده بین لایحه قانونی استقلال کانون وکلاء دادگستری مصوب کمیسیون مشرک مجلسین و لایحه قانونی سابق را بعداً خواهیم نگاشت .